



مهجور ماندن نقش والدگری در جامعه

هر کس که صاحب فرزند می‌شود، سوالات زیادی دارد. از روند رشد فرزند خود گرفته تا نحوه مواجهه با چالش‌هایی که پیش می‌آید. برای همین در صفحات شبکه‌های اجتماعی، سایت‌های خبری، کتاب‌ها و هر چیزی که به دستش می‌رسد، دنبال پاسخ سوالاتش می‌گردد. حتی از تجربیات افرادی که صاحب فرزند شده‌اند هم کمک می‌گیرد تا بداند چه کسی چه راهی را رفته و آیا او هم می‌تواند از همان راه‌ها و روش‌ها استفاده کند. مثلاً از همان بدو تولد فرزند، گاهی می‌خواهد بداند دمای خانه چقدر باشد تا نوزاد احساس خوبی داشته باشد و سرما و گرما آذینش نکند یا می‌خواهد بداند چقدر لباس بر تن نخیف او کند تا مبادا آسیب ببیند، حتی اینکه نوع تغذیه و ویتامین‌های مورد نیاز بدنش چه باید باشد هم برایش دغدغه می‌شود. این سوالات هیچ وقت تمام نمی‌شود و تا دوران‌های بعدی یعنی هنگام راه رفتن کودک و پس از آن تا دوران مدرسه ادامه دارد. در مسائل تربیتی نیز گاهی می‌خواهد بداند تا چه میزان باید کودکش را آزاد بگذارد و چه زمانی باید به او امر و نهی کند. چه زمانی باید در مقابل رفتارهای اشتباه فرزندش جدیت به خرج دهد. گاهی نیز با چالش‌هایی مواجه می‌شود که راه‌حلی برایش ندارد، مثلاً اگر به‌های مکرر کودک یا پر خاشگری او و البته هزاران چالش دیگر که ممکن است هر پدر و مادری با آن مواجه شوند.

رئیس سازمان تعلیم و تربیت کودک در گفت‌وگو با «جوان»: گاهی الگوهایی برای فرزندپروری ارائه می‌شود که ضد تربیت است. آموزش زبان و ریاضیات که کودک را در ۶ سال اول زندگی به ابزاری برای تفاخر والدین تبدیل می‌کند، از این قبیل است

فرزندپروری برعهده وسایل لوکس نیست!

■ «فرزندپروری» موضوع بسیار مهمی است که والدین از همان بدو تولد فرزندشان دغدغه آن را دارند. متأسفانه گاهی کار به قدری برای‌شان سخت می‌شود که قید فرزند دوم، سوم و بیشتر را می‌زنند. در صورتی که اگر راهنما و مشاور در دسترس داشته باشند و به اصطلاح راه و چاه را یادشان بدهد، مسیر برای‌شان هموار خواهد شد، به همین دلیل ضروری است هر گونه اطلاعات و مهارت‌های مورد نیاز در این زمینه را حتی پیش از به دنیا آمدن فرزندشان به دست بیاورند. اما آیا امکان آن وجود دارد و مشاور کودک در دسترس، آسان و رایگان است؟ بدون شک پاسخ خیر است.

■ والدگری چیست؟ در ادبیات علوم تربیتی و روان‌شناسی، واژگان Parenting به دو صورت ترجمه شده است. برخی آن را به «والدگری» و گروهی دیگری آن را به «فرزندپروری» ترجمه کرده‌اند. بر اساس تعریفی که مطرح است، والدگری عبارت است از: «گونه‌ای از ارتباط والد-فرزند که شامل باورها، اصول، روش‌ها و رفتارهای ویژه می‌شود و عاملی مؤثر در شکل‌گیری رفتارهای درونی‌شده و برونی‌شده فرزند است.» در واقع می‌توان فرزندپروری را داشتن مهارت‌هایی دانست که در این مهارت‌ها، روش‌های به کارگیری توانایی‌ها در حوزه تربیت فرزند به شمار می‌آید. به عبارتی دیگر همانطور که برای اداره هر سازمان و نهادهی نیاز به دانستن روش‌های مدیریت و به کارگیری درست آنهاست، فرزندان نیز از این امر مستثنی نیستند و باید برای رشد و تربیت ایشان راه‌های درست را کشف و به کار گرفت.

نکته حائز اهمیت این است که در دوران کودکی، شخصیت انسان بر اساس تربیتی که در خانواده وجود دارد، شکل می‌گیرد. اصلی‌ترین مؤلفه‌های شکل‌گیری شخصیت انسان مربوط به همین دوران ابتدایی زندگی انسان در نهادهی به نام خانواده است. برخی روان‌شناسان معتقدند از تولد تا یک سالگی سن شکل‌گیری اعتماد انسان نسبت به دنیاست. در این دوران مهم‌ترین فردی که در این اعتمادسازی نقش دارد، مادر است. اگر مادری در این دوران به نیازهای کودک، خوب رسیدگی نکند و افرات با نظری داشته باشد، می‌تواند زمینه‌ساز یک شخصیت بی‌اعتماد در تمامی دوران زندگی کودک شود. از همین رو لازم است، والدین شیوه‌های درست تربیت فرزند را به کار گیرند تا بتوانند پرورش، اجتماعی کردن و ارزش‌های فرهنگی، اخلاقی و ایدئال‌های خود را به فرزندانشان به درستی منتقل کنند.

■ فرزندپروری مهم است خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی که انسان در آن قدم می‌گذارد، می‌تواند جامعه‌پذیری و در گام عالی‌تر آن فرهنگ‌پذیری را در شخصیت

اولین دانشگاه «آغوش مادر»



■ در حال حاضر سازمان تعلیم و تربیت کودک برای کمک به پرورش کودکان کمتر از هفت سال شکل گرفته و اقداماتی نیز در این زمینه انجام داده است، اما این سازمان جدیداً تأسیس برای به ثمر رساندن طرح‌ها و برنامه‌هایش در زمینه تسهیل فرزندپروری راه زیادی دارد. مدتی همتی فر، رئیس سازمان تعلیم و تربیت کودک به ضرورت توانمندسازی والدین برای ایفای نقش پدری و مادری اشاره می‌کند و می‌گوید: «در شش سال اول زندگی کودک و بنا بر تأکیدی که اساسنامه سازمان دارد، رویکرد تربیتی باید خانواده‌محور باشد و به ویژه در سه سال اول تأکید بر این است که کودک در بستر خانه و خانواده رشد کند و ببالد و زمینه‌های تربیتی‌اش فراهم شود. به دلیل پیچیدگی‌هایی که خانواده پیدا کرده است، اقتضا می‌کند والدین و زوجینی که در آستانه پدر و مادر شدن هستند، برای اینکه بتوانند نقش‌های پدری و مادری را درست ایفا و بستر خوبی در خانه و خانواده برای پذیرایی از کودک و محیط تربیتی و رشد مناسب او آماده کنند، نیاز است توانمند شوند و آموزش ببینند، متأسفانه تاکنون ساز و کاری به شکل

همتی فر به ضرورت گذراندن پدر و مادر با کودک اشاره می‌کند و می‌گوید: «والدین مشاغل یا نهایی که به هر دلیلی فرصت ندارند وقت برای فرزندشان بگذرانند، گاهی با خریدن وسایل لوکس یا به کودکان فرستادن اولا، تلاش می‌کنند مسئولیت اخلاقی- تربیتی خود را نادیده بگیرند، بدتر اینکه چنین کارهایی را یک ارزش تلقی می‌کنند؛ در حالی که کودک که پدر و مادر به طور ویژه‌تری نسبت به هر چیزی که در اختیارش گذاشته می‌شود، نیاز دارد. در چنین شرایطی باید نقش بی‌بدیل



کودکستان‌ها باید «خانواده‌محور» باشند

مادر به عنوان جایگاهی که شایسته‌اش است، برجسته شود. در این راستا طرحی را به عنوان «هوای مادری» که تکریم جایگاه مادری است، معرفی کردیم که با محوریت سه اصل مهم شامل حمایت از توسعه مجموعه‌های مادر و کودک، ارتقای الگوی عملیاتی رشد مادر و کودک و همچنین تجربه‌های موفق کهنشگری مادران در محله، زمستان گذشته در مشهد اجرا شد.» او ادامه می‌دهد: «تحلیل‌هایی که بر اساس بررسی‌های کارشناسی به آن رسیدیم، به ما نشان داد باید به ویژه

انسان نهاد پنه کند. به همین دلیل است که گفته می‌شود والدین بر زندگی آینده فرزندانشان خود تأثیر گذارند؛ اگر آنها جایی راه را اشتباه برونند، کودکان در آینده نمی‌توانند از عهده حل مشکلات و چالش‌های زندگی خود بر بیایند. مثلاً خانواده‌ای که مادام به فرزند خود سخت می‌گیرد و او را شامت می‌کند، باعث می‌شود این کودک در آینده یک فرد بدون عزت‌نفس باشد و مادام انتظار تذکر و توبیخ از سمت اطرافیان را داشته باشد یا آن پدر و مادری که اجازه

«کودک» ابزار تفاخر والدین نیست

■ او به نفوذ نگاه بازاری در خانواده‌ها برای تربیت کودک اشاره می‌کند و می‌گوید: «متأسفانه مؤسسات، اقشار خاص و بعضی از اصناف تأکید می‌کنند که والدین از پس فرزندپروری و تربیت کودک خود بر نمی‌آیند، آنها می‌خواهند با این نگاه بازاری جایگاه خودشان را تثبیت کنند. به این ترتیب هویت و اعتماد به نفس والدگری را از «والدین» می‌گیرند. آن وقت است که به پدر و مادر احساس یأس و احساس سرمایه‌ای بودن فرزندانشان القا می‌شود، به همین دلیل درگیر فضاهایی که چه بسا فرصت کودکی را از کودک می‌گیرد، می‌شوند.» رئیس سازمان تعلیم و تربیت کودک به یکی دیگر از مسائل و چالش‌هایی که در حوزه والدگری در کشور وجود دارد، اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد: «گاهی الگوهایی برای فرزندپروری پیش رو قرار می‌گیرد که ضد تربیت است یا حداقل فرصت‌های تربیتی را که ویژه هستند، هدر می‌دهد یا به شکل کم‌زدهی صرف می‌شود؛ اینکه والدین کودکان را درگیر آموزش‌هایی می‌کنند که در شش سال اول زندگی، اقتضای سن‌شان نیست، مثل آموزش زبان و ریاضیات که جایگزین بازی کردن‌ها می‌شود و به طور کلی کودک به ابزاری برای تفاخر والدین تبدیل خواهد شد.»

باشد.»

همتی فر در پایان تأکید می‌کند: «در برنامه هفتم در ماده ۸۱ ناظر بر تنوع بخشی الگوهای تربیتی اوان کودکی، تکالیفی برای سازمان تعیین شده است که علاوه بر کودکستان، الگوهای بدیل ارائه شود که خانه‌های مادر و کودک و مهد خانگی از همین جمله هستند، در تلاش هستیم این الگوها را صورت‌بندی کنیم و با زودتر آماده کردن این‌ها همه‌ها هر چه زودتر خدمت‌رسانی انجام دهیم.»

■ با فرزندپروری درست می‌توانیم به ظرفیت‌ها و استعدادها ی فرزندان مان توجه و آنها را به بهترین شکل ممکن تقویت کنیم، این موضوع به فرزندمان اعتماد به نفس و امیدواری بیشتری می‌دهد و آنها را به تلاش و کشف خویشتن تشویق می‌کند. به عنوان مثال، خانواده‌ای که به فرزندپروری توجه می‌کند، دارای هماهنگی بهتری در برخورد با مسائل و مشکلات خانوادگی است. این خانواده‌ها عملکرد بهتری در اجرای قوانین و مقررات خانوادگی، اداره زمان و حل اختلافات دارند. همچنین فرزندپروری مهارت‌های اخلاقی را در فرزندمان ایجاد می‌کند که آنها را کمک می‌کند نسبت به دیگران متعهد باشند. این مقوله‌ها شامل بخشش، صداقت، احترام، همکاری و مسئولیت‌پذیری است، بنابراین فرزندپروری به رشد شخصی فرزندمان منجر می‌شود و آنها را به یادگیری و تحصیل تشویق می‌کند. این موضوع می‌تواند بهبود عملکرد تحصیلی و دستیابی به اهداف تحصیلی را نیز تسهیل کند.

■ «فرزندپروری» موضوع بسیار مهمی است که والدین نیاز برای برقراری روابط سالم و موفق در جامعه را فراهم می‌کند. مهارت‌هایی مانند ارتباط مؤثر، همکاری، قدرت تفکر، مدیریت هیجانات و حل مسئله در فرزندمان آموزش داده می‌شود. با توجه به فرزندپروری در کنار فرزندآوری این موضوع کمک می‌کند خانواده هویت و همبستگی قوی‌تری داشته باشد.

■ در نهایت با فرزندپروری صحیح، می‌توان فرهنگ و تاریخ خانواده را به فرزندمان منتقل و آنها را با ارزش‌ها، هنجارها و قوانین خانواده و جامعه آشنا کرد. با توجه به موارد فوق، مشخص است فرزندپروری اهمیتی کمتر از فرزندآوری ندارد، بنابراین مهم است که به بهترین شکل ممکن از فرزندمان خود مراقبت کنیم و آنها را برای رشد مناسب آماده سازیم.

■ هیچ ناکامی و شکستی را به فرزند خود نمی‌دهند و مدام به دنبال جبران کم‌وکاستی‌های زندگی او هستند و هر چیزی را که بخواهد در اختیارش قرار می‌دهند، باعث می‌شوند او با کوچک‌ترین مشکل و شکست از پا برآید و توان بندشدن نداشته باشد. اینها تنها مثالهایی از پیامدهای اشکالات مواجهه با کودکان است که شاید به سختی بتوان آنها را جبران کرد، به همین دلیل تا دیر نشده باید بیشتر نسبت به آن حساسیت به خرج داد و «فرزندپروری» را به عنوان یک مسئله مهم و برجسته همانند «فرزندآوری» دانست.

■ در حالی که برای وارد شدن به مشاغل مختلف درس می‌خوانیم و تخصص کسب می‌کنیم اما برای بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری خودمان هیچ دغدغه‌ای نداریم!

رشد مهارت‌های اخلاقی با فرزندپروری صحیح



فرزندپروری و فرزندآوری دو مفهوم مرتبط، اما هر یک دارای ویژگی‌ها و اهداف متفاوتی هستند. اگرچه فرزندآوری جنبه بیولوژیکی را مدنظر قرار می‌دهد و نشان‌دهنده وجود فرزند است، اما فرزندپروری به عنوان فرایند بعدی و مهم‌تر، مسئولیت آموزش، توسعه و پرورش این فرزند را بر عهده دارد. در واقع، فرزندپروری شامل ایجاد فرصت‌های یادگیری، ارزش‌ها و مهارت‌ها، تبدیل کردن آنها به افراد مستقل و بارز در جامعه می‌شود. بنابراین عامل تأثیرگذارتری بر رشد و توسعه صحیح فرزند است و برای ایجاد جامعه‌ای سالم و پویا، نیازمند توجه به هر دوی آنهاست. فرزندپروری شامل ساختن روابط قوی و عمیق با فرزند است که به آنها احساس ارتباط و محبت را می‌دهد. این روابط نه تنها در سال‌های کودکی و نوجوانی بلکه در طول زندگی به فرزندمان امکان می‌دهد در هر صعود و سقوطی کنارشان باشیم.



با فرزندپروری درست می‌توانیم به ظرفیت‌ها و استعدادها ی فرزندان مان توجه و آنها را به بهترین شکل ممکن تقویت کنیم، این موضوع به فرزندمان اعتماد به نفس و امیدواری بیشتری می‌دهد و آنها را به تلاش و کشف خویشتن تشویق می‌کند. به عنوان مثال، خانواده‌ای که به فرزندپروری توجه می‌کند، دارای هماهنگی بهتری در برخورد با مسائل و مشکلات خانوادگی است. این خانواده‌ها عملکرد بهتری در اجرای قوانین و مقررات خانوادگی، اداره زمان و حل اختلافات دارند. همچنین فرزندپروری مهارت‌های اخلاقی را در فرزندمان ایجاد می‌کند که آنها را کمک می‌کند نسبت به دیگران متعهد باشند. این مقوله‌ها شامل بخشش، صداقت، احترام، همکاری و مسئولیت‌پذیری است، بنابراین فرزندپروری به رشد شخصی فرزندمان منجر می‌شود و آنها را به یادگیری و تحصیل تشویق می‌کند. این موضوع می‌تواند بهبود عملکرد تحصیلی و دستیابی به اهداف تحصیلی را نیز تسهیل کند.

■ قابل توجه است که در یک خانواده، فرزندمان به دنبال حس امنیت روحی و روانی هستند. با توجه به فرزندپروری مؤثر، می‌توان این امنیت را برای فرزندمان خود فراهم و آنها را از اضطراب و استرس‌های ناشی از زندگی محافظت کرد. همچنین فرزندپروری امکان ایجاد مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز برای برقراری روابط سالم و موفق در جامعه را فراهم می‌کند. مهارت‌هایی مانند ارتباط مؤثر، همکاری، قدرت تفکر، مدیریت هیجانات و حل مسئله در فرزندمان آموزش داده می‌شود. با توجه به فرزندپروری در کنار فرزندآوری این موضوع کمک می‌کند خانواده هویت و همبستگی قوی‌تری داشته باشد.

■ در نهایت با فرزندپروری صحیح، می‌توان فرهنگ و تاریخ خانواده را به فرزندمان منتقل و آنها را با ارزش‌ها، هنجارها و قوانین خانواده و جامعه آشنا کرد. با توجه به موارد فوق، مشخص است فرزندپروری اهمیتی کمتر از فرزندآوری ندارد، بنابراین مهم است که به بهترین شکل ممکن از فرزندمان خود مراقبت کنیم و آنها را برای رشد مناسب آماده سازیم.

نکته



«فرزندپروری» همچنان تجربی انجام می‌شود

■ نحوه تعامل والدین با فرزند می‌تواند تا پایان عمر بسر زندگی او اثر بگذارد. تقریباً شیوه تربیتی و سبک‌های فرزندپروری خانواده‌ها با یکدیگر متفاوت است، اما به نظر می‌رسد اکثر پدر و مادرها در سطح جهان، والدگری را به صورت شهوودی یاد می‌گیرند و آموزش خاصی در جایی نمی‌بینند. شاید اغراق نباشد اگر بگوییم فرزندپروری یکی از سخت‌ترین کارهای دنیاست و تئوری‌های بسیاری در ارتباط با فرزندپروری وجود دارد تا این کار سخت را ساده‌تر کند، بنابراین برای داشتن فرزندانی سالم لازم است والدین مجرب به آگاهی‌های لازم در این زمینه شوند.

هر شخصی برای ورود به بازار کار، ابتدا یک دوره آموزشی می‌بیند و حاضر نیست بدون گذراندن دوره آموزشی و کسب تجربه به گرفتن مشاوه از دیگران کاری را شروع کند، چرا که او نمی‌خواهد سرمایه‌اش را از دست بدهد! اما کمتر کسی برای بزرگ‌ترین سرمایه‌های زندگی خود، جامعه و کشور که فرزندش است، سراغ مشاور می‌رود. متأسفانه میان تمام مشغله و روزمرگی‌های افراد، ارگان‌ها و دولت، کمتر کسی به این مسئله فکر کرده که پدران و مادران را برای تربیت و استفاده درست از این سرمایه‌های مهم آموزش دهد.

زمانی بسیاری از مشاغل تجربی انجام می‌شند، افراد با دیدن کارها یا کار کردن کنار دست استادکی که تجربه زیادی دارد، چشم و خم کار را یاد می‌گرفتند و پس از آن وارد شغل مورد علاقه‌شان می‌شدند، اما سال‌هاست اهمیت مشاغل، کارها و همچنین اهمیت حفظ سرمایه، باعث شده است افراد برای وارد شدن به شغلی یا تحصیل کنند و وارد دانشگاه شوند یا حداقل دوره تخصصی آن را ببینند. در چنین شرایطی، اما فرزندپروری هنوز هم تجربی انجام می‌شود، یعنی نهایتاً افراد از پدر، مادر، دوستان و آشنایان یکسری سوالاتی را می‌پرسند و بر اساس آن کسب تجربه می‌کنند، حتی در کلاس‌شهرها نیز کمتر خانواده‌هایی هستند که قبل از فرزندآوری تصمیم بگیرند از مشاور کودک یا کسی را که علم تربیتی کودک دارد، کمک بگیرند، به همین دلیل بعد از فرزندآوری و ورود به دوره فرزندپروری با چالش‌های متعددی مواجه می‌شوند و از آنجا که پاسخ به برخی سوالات‌شان از سوی اطرافیان متفاوت است، دچار سردرگمی و آشفتگی می‌شوند، این در حالی است که فرزندپروری الزام و ضرورت اجتماعی است و مهارتی است که باید پیش از فرزندآوری آموخته شود تا به کمک آن رابطه والد و کودک به درستی شکل گیرد. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد در دسترس بودن مشاور کودک و رایگان و با حداقل ارزان بودن خدمات مشاوره‌ای می‌تواند کمک زیادی به پدران و مادران کند تا آنها بتوانند والدگری را به بهترین شکل ممکن انجام دهند.

والدین گاهی

با خریدن وسایل لوکس برای فرزندشان، تلاش می‌کنند مسئولیت اخلاقی- تربیتی خود را نادیده بگیرند.

بدراینکه چنین کارهایی را یک ارزش تلقی می‌کنند در حالی که کودک به پدر و مادر به طور ویژه‌تری نسبت به هر چیزی که در اختیارش گذاشته می‌شود، نیاز دارد.